حادثه‌ها

آدم‌ربایی برای نقد شدن طلب ۶۰۰ هزار تومانی

گروه حوادث: مرد طلبکار که برای رسیدن به پول خود دختری پنج‌ساله را گروگان گرفته بود دستگیر شد. به گفته سیدعلی نبوی دادستان بردسکن، پدر این کودک بیش از ۶۰۰ هزار تومان بدهکار بوده و طلبکار برای اینکه فرد بدهکار پولش را پرداخت کند، اقدام به گروگانگیری کرده بود. دادستان بردسکن گفت: با اعلام مشخصات فرد آدم‌ربا از طرف خانواده دختر بچه، این فرد شناسایی شد و در کمتر از ۱۰ ساعت در شهرستان کاشمر دستگیر و دختربچه پنج‌ساله بدون هیچ گونه صدمه‌ای تحویل مادرش شد.

فحاشی دلیل قتل یک جوان بردسکنی

جوانی که در یک نزاع مرتکب قتل شده بود یک ساعت پس از جنایت دستگیر شد. به گزارش ایسنا سیدعلی نبوی دادستان بردسکن با اعلام این خبر افزود: مقتول جوان ۲۰ساله بردسکنی بود که در محدوده منزل مسکونی پدری خود توسط فردی با ضربه چاقو به قتل رسیده بود. وی گفت: قاتل در بازجویی‌ها ادعا کرد مقتول در مراسم عروسی به او فحاشی کرد و وی نیز به خاطر اینکه انتقام بگیرد دست به این کار زد. دادستان بردسکن گفت: در این رابطه پرونده‌ای تشکیل و قاتل با قرار قانونی روانه زندان شد. به گفته دادستان بردسکن هنوز انگیزه قاتل از به قتل رساندن این جوان مشخص نیست و تحقیقات همچنان ادامه دارد.

۲۱ مغازه در پاساژ خلیج فارس در آتش سوخت

اتصال برق در پاساژ خلیج فارس خیابان کاوه اهواز، ۲۱ باب مغازه تجاری را طعمه حریق کرد. به گزارش ایسنا عبدالحمید طالب‌زاده مدیرعامل سازمان آتش نشانی اهواز گفت: این حادثه ساعت ۱:۳۰ بامداد روز ۲۷ آبان‌ماه به وقوع پیوست و مغازه‌های فروش کالاهای لوازم خانگی دچار حریق شدند. طالب‌زاده تصریح‌کرد: بر اثر وقوع این حادثه سه باب از مغازه‌های این پاساژ به صورت کامل در آتش سوختند. همچنین چهار باب مغازه دیگر حدود ۴۰ درصد خسارت دیده‌اند. به مابقی مغازه‌های این پاساژ حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد خسارت وارد شده است. وی با بیان اینکه سه دقیقه پس از وقوع این حادثه ۲۰ مامور سازمان به همراه ۱۰ دستگاه خودرو آتش‌نشانی برای اطفای حریق به محل مورد نظر اعزام شدند، گفت: این حادثه تلفات جانی در پی نداشت.

گاز جان پنج نفر را گرفت

گروه حوادث: گازگرفتگی در شهرستان‌های «ساوه» و «زرندیه» استان مرکزی، پنج نفر را به کام مرگ فرستاد. در پی اعلام به فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ شهرستان «ساوه» مبنی بر یک مورد گازگرفتگی در میدان «سرداران» کوچه «معلم»، ماموران کلانتری به محل اعزام شدند و فهمیدند اعضای یک خانواده سه نفری به علت مسمومیت ناشی از نشت دودکش آبگرمکن فوت شده‌اند. همچنین خبر یک فقره گازگرفتگی به مرکز فوریت‌های پلیسی شهرستان «زرندیه» مخابره شد و بررسی ماموران نشان داد مردی حدود ۲۵ساله در داخل حمام جان باخته و همسر ۲۳ساله‌اش نیز در داخل پذیرایی بیهوش افتاده است. ماموران این زن را به بیمارستان رساندند اما تلاش پزشکان برای نجات جان وی بی‌فایده بود.

خریدار نقره سارق از آب درآمد

گروه حوادث: مردی که قصد داشت در پوشش مشتری از یک مغازه نقره‌فروشی سرقت کند به تله افتاد. ماموران کلانتری بهارستان در پی کسب خبری مبنی بر دستگیری سارق در یک مغازه نقره‌فروشی در خیابان سعدی شمالی به آنجا رفتند و مالک مغازه به آنها گفت: شخصی برای خرید وارد مغازه‌ام شد و همان طور که مشغول صحبت بود دو حلقه انگشتر و دو عدد زنجیر نقره به ارزش ۲۵۰ هزار تومان را برداشت و قصد فرار داشت، اما وی را دستگیر کردم. پس از روشن شدن ماجرا، متهم به کلانتری انتقال یافت. او ابتدا گفت اجناس را برای پرسیدن قیمت برداشته بود. این مرد با ادامه یافتن بازجویی‌ها به تلاش برای سرقت اعتراف کرد و به مرجع قضایی معرفی شد.

کشف اجساد مثله شده دو زن و یک کودک در امریکا

پلیس ایالتی اهایو از کشف بقایای اجساد مثله شده دو زن و یک پسربچه ۱۱ساله درون یک درخت کهنسال خبر داد. به گزارش ایسنا، «جنیفر اوگل» یکی از مقامات پزشکی قانونی ایالت «اهایو» در مصاحبه‌ای عنوان کرد: ماموران پلیس پس از یافتن بقایای این اجساد موفق شدند هویت آنان را مشخص کنند. وی ادامه داد: اجساد یافت شده «تینا هرمان» و پسرش «کودی مینارد» و دوست خانوادگی آنان «استفانی اسپرنگ» بودند. البته هنوز انگیزه این قتل‌ها مشخص نشده است.

بر اساس گزارشی که توسط پلیس ایالت «اهایو» در آسوشیتدپرس منتشر شده است، جسد تکه‌تکه شده سگ خانواده هم در نزدیکی اجساد درون این درخت کهنسال یافت شد. در این گزارش همچنین آمده است این سه نفر از ۱۰ نوامبر سال جاری مفقود شده بودند. همچنین دختر ۱۳ساله «تینا هرمان» که همزمان با مفقود شدن مادر، برادر و دوست خانوادگی‌شان ناپدیدشده بود، در نهایت در حالی که در کنار اجساد مثله شده با دست و پای بسته زندانی شده بود، توسط پلیس یافت شد. پلیس منطقه «ناکس کانتی»- محلی که این قتل‌های فجیع در آن رخ داده بود- هم در بیانیه‌ای از قطع این درخت کهنسال خبر داد و یادآور شد این روند برای ابراز همدردی با اقوام این قربانیان انجام شده است. پلیس این منطقه همچنین از دستگیری یک مجرم سابقه‌دار به نام «متیو هافمن» ۳۰ساله در این رابطه خبر داد. این مرد پیش از این به مدت شش سال در زندان ایالتی «کلرادو» حبس بود. البته تمام شواهد و مدارک علیه این مرد است، چرا که وی درست در زمان مفقود شدن این افراد از محل کار خود اخراج شده و محل زندگی وی نیز در نزدیکی محل وقوع قتل‌هاست. با این حال، تحقیقات در رابطه با این قتل‌های فجیع ادامه دارد.

یعقوب متهم ردیف اول پرونده میدان کاج:

اعدام می‌شوم اما مقصر نیستم

ادامه از صفحه اول

من در آن لحظات اصلاً در حالت عادی نبودم و نمی‌دانستم مردم اطراف من هستند. من حتی متوجه ماموران نبودم. هیچ ماموری را دنبال و تهدید نکردم. آنچه در مورد من گفتند اصلاً درست نیست.

مهدی درباره رابطه‌اش با کیمیا گفت: چهار سال قبل من در یک بنگاه مشاور بودم. یکی از اقوامم خواست که او را هم سر کار ببرم اما من قبول نکردم. یکی از دوستانم گفت او را به بنگاه خانم کیمیا بفرست. آنجا بود که با کیمیا آشنا شدم. چند بار بعد از آن کیمیا با من تماس گرفت و خواست مغازه‌ای برایش بخرم. او شماره تلفنش را به من داد. رابطه ما این طور شکل گرفت و چند ماه بعد متوجه شدم او با مردی تماس دارد. شماره آن مرد را برداشتم و خودم با وی تماس گرفتم و فهمیدم آن مرد شوهر کیمیاست. با این حال او انکار می‌کرد اما وقتی ماجرا مشخص و همه چیز رو شد کیمیا از شوهرش طلاق گرفت تا با من ازدواج کند. با این وجود بعد از جدایی هرگز زیر بار ازدواج نرفت و من نمی‌دانم او چرا نمی‌خواست ازدواج کند اما من سه سال با او زندگی کردم.

وی ادامه داد: در این مدت بارها با کیمیا درگیر شدم. او مرتب به من شک می‌کرد. چندین بار هم او را کتک زدم و این موضوع را قبول دارم اما من کیمیا را دوست داشتم و عاشقش بودم. او مثل موم من را در دست داشت و هرچه می‌خواست انجام می‌داد، تا اینکه دفعه آخر دوباره با هم درگیر شدیم. با اینکه من با کیمیا کار می‌کردم هرگز از او طلب پول نکردم. من در خانه کیمیا بودم و ما هیچ وقت با هم حساب و کتاب مالی نداشتیم و او هر چه درمی‌آورد و می‌خرید به نام خودش بود. آن روز اختلاف حسابی بر سر شش میلیون تومان پیدا کردیم. درگیری بین ما بالا گرفت و من کیمیا را کتک زدم و بازداشت شدم. بازپرس برای ما اتهام رابطه نامشروع هم زده بود. من بارها با کیمیا تماس گرفتم و گفتم رضایت بدهد ولی او قبول نمی‌کرد. می‌گفت باید ادب شوی. بعد از من خواست موضوع رابطه نامشروع را حل کنم و قول داد رضایت می‌دهد. من هم این کار را کردم. مادرم هم دیه او را واریز کرد و من آزاد شدم. شب آزادی به خانه مادرم رفتم و فردایش به سراغ کیمیا رفتم تا با او صحبت کنم. آنجا بود که متوجه شدم او و یزدان با هم رابطه دارند. البته زمانی که در زندان بودم کیمیا می‌گفت مردی مزاحمش می‌شود و من هم می‌گفتم حتماً خودت کاری کرده‌ای اما او مرا به بی‌غیرتی متهم می‌کرد.

یعقوب در ادامه دفاعیاتش گفت: «آن روز وقتی فهمیدم رابطه آنها جدی شده است خیلی ناراحت شدم. من کیمیا را می‌پرستیدم. به همین خاطر هم با یزدان تماس گرفتم. او منکر شد و گفت چنین مساله‌ای نیست. من چندین بار با یزدان صحبت کردم. دیگر این اواخر با هم دوست شده بودیم. چند روز قبل از قتل، کیمیا به من حرف‌هایی زد که باعث شد من و یزدان با هم دعوا کنیم. او مرتب به من می‌گفت یزدان از تو بهتر است و تو مرد نیستی. آن شب من به یزدان تلفن کردم و با او مشاجره کردیم و قرار یک دوئل را گذاشتیم. یزدان دوستانش را برای دعوا با من آورده بود اما کیمیا از من خواست نروم و من هم به حرف او گوش کردم، تا اینکه شب آخر یزدان به من گفت با کیمیا رابطه داشته است. این حرف مرا دگرگون کرد و با خود گفتم وقتی کیمیا به من می‌گوید تو مرد نیستی حتماً ناشی از همین رابطه است. فردای آن روز صبح بیدار شدم. شیشه کشیده بودم و حال درستی نداشتم. مجنون بودم. به سمت بنگاه رفتم. می‌دانستم کیمیا صبح‌ها نمی‌آید. جلوی در بنگاه مردی را دیدم. او یزدان بود. ما تا آن زمان همدیگر را ندیده بودیم اما او را شناختم. به سمت یزدان رفتم و از او پرسیدم تو یزدان هستی؟ تایید کرد و درگیری بین ما شروع شد. من به او ضربه زدم اما قسم می‌خورم اصلاً متوجه اطرافم نبودم. من هیچ کس را ندیدم، حتی پلیس را ندیدم. می‌گویند چند مامور آنجا بود، پس چرا آنها به من نزدیک نشدند. اگر آن طور که می‌گویند من یکی از پلیس‌ها را دنبال کردم چرا آن لحظه دیگران به کمک یزدان نرفتند؟ من می‌دانم عاقبت من چوبه دار است و اعدام می‌شوم اما بدانید که مقصر اصلی کیمیاست.

در این هنگام قاضی «نورالله عزیزمحمدی» رئیس دادگاه، فیلم حادثه را که توسط یک شهروند فیلمبرداری شده بود در دادگاه نمایش داد. در ابتدای فیلم، وقتی مقتول با پیراهن خونی روی زمین نشان داده شد مادرش که همچنان از رفتار پلیس عصبانی بود، فریاد زد: «ای مردم پلیس شاهد مرگ پسرم بود. ببینید پسرم چطور جلوی چشمان شما و در حضور پلیس جان داد. چرا کسی او را کمک نکرد؟» این زن که نمی‌توانست خودش را کنترل کند و همچنان اعتراض می‌کرد، هنگام نمایش فیلم از دادگاه خارج شد. مهدی که نظاره‌گر این صحنه‌ها بود به گریه افتاد و حتی حاضر نشد چندین صحنه را ببیند.

یزدان- مقتول

بعد از نمایش فیلم و حضور دوباره اولیای دم در دادگاه، مهدی به دفاعیات خود ادامه داد: من بسیاری از این صحنه‌ها را به یاد نمی‌آورم. تحت تاثیر شیشه بودم و حالت عادی نداشتم. من با یزدان دشمنی نداشتم اما زمانی که به من گفت با کیمیا رابطه دارد دیوانه شدم. در این هنگام قاضی از او پرسید کیمیا همسر تو نبود، چطور می‌گویی ناموست را دزدیده بودند؟

متهم جواب داد: من چهار سال با آن زن زندگی کرده بودم. او بعد از گفتن این جمله به شدت عصبانی شد و گفت دیگر حاضر نیست از خود دفاع کند و بهتر است زودتر اعدامش کنند و او را از این عذاب نجات بدهند. متهم بعد از اینکه آرام‌تر شد به حرف‌هایش ادامه داد: «من سه سال بود که ترک کرده بودم و شیشه نمی‌کشیدم، اما وقتی به زندان رفتم دوباره به سمت مواد رفتم. آن روز هم ناراحتی شدید مرا به سمت شیشه کشاند و بعد هم از خود بیخود شدم و این اتفاق افتاد.»

در این هنگام قاضی عزیزمحمدی به متهم گفت تو اقرار کردی و نتیجه کارت مشخص است. ما می‌خواهیم بی‌گناهی را مجازات نکنیم به همین دلیل از تو سوال می‌کنیم. سپس متهم گفت: اگر کیمیا از من می‌خواست به بنگاه نروم من این کار را نمی‌کردم اما او به من گفت یزدان در مغازه است و من که شیشه کشیده و از خود بیخود بودم به سراغ او رفتم . همکارانم بارها به من گفته بودند کیمیا را رها کن و به فکر جوانی خودت باش. این زن تو را نابود می‌کند اما من توجهی نکردم، چون عاشقش بودم. سپس اولین وکیل مدافع متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: من فرصت کافی برای مطالعه پرونده نداشتم و با موکلم هم صحبت نکردم. من فقط ۴۰ صفحه از این پرونده را خواندم و نمی‌توانم دفاع کنم. تقاضا دارم به من مهلت دهید تا پرونده را مطالعه و بعد دفاع کنم.

من به مساله‌ای هم اعتراض دارم. آقای رئیس دادگاه شما با اینکه می‌دانم عادل هستید جمله‌ای به متهم گفتید که او را حین محاکمه محکوم کردید. شما گفتید حکم تو مشخص است. او در حال دفاع بود و شما هنوز با همکاران‌تان شور نکرده‌اید و پرونده نیز در حال رسیدگی است پس چطور چنین نتیجه‌ای گرفتید. قاضی عزیزمحمدی به وکیل متهم پاسخ داد: شما حرف‌های من را تحریف کردید. من قضاوت نکردم و فقط به متهم گفتم شما اقرار کردید. من ۴۰ سال سابقه قضایی دارم و تجربه‌ام به حدی هست که چنین حرفی نزنم. شما جوان هستید و می‌خواهید جو دادگاه را خراب کنید.

سپس وکیل دیگر متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: من هم مثل همکارم پرونده را مطالعه نکرده‌ام و تقاضا دارم دادگاه را تجدید کنید. ابهامات زیادی در پرونده وجود دارد. ضرباتی که موکل من وارد کرده است کشنده نبوده بلکه خونریزی و عدم رسیدگی عامل مرگ بود. بیمارستان گفته اگر مقتول زودتر منتقل می‌شد زنده می‌ماند. باید به سهل‌انگاری پلیس هم رسیدگی شود. ابهاماتی هست که ما به دلیل اینکه نتوانستیم پرونده را بخوانیم نمی‌توانیم در مورد آن صحبت کنیم. در ادامه کیمیا در جایگاه حاضر شد. این زن اتهام خود را انکار کرد و گفت: من با مهدی هیچ رابطه‌ای نداشتم. او مرتب مزاحم من می‌شد و آزارم می‌داد. او راست می‌گوید عامل جدایی من و شوهرم بود. شوهرم شیشه می‌کشید و حال خوبی نداشت. یک شب یعقوب مزاحم من شد و مرا در خیابان کتک زد و دستم را شکست. قرار بود آن روز شوهرم به دنبالم بیاید اما چون برای کشیدن شیشه رفته بود نیامد و من هم که به شدت ناراحت شده بودم از شوهرم برای همیشه جدا شدم. یعقوب به من ابراز علاقه می‌کرد، اما من او را دوست نداشتم چون شیشه می‌کشید. البته بارها به او گفته بودم ترک کن و سراغ زندگی خودت برو اما او توجهی نمی‌کرد. او مرتب از من اخاذی می‌کرد و چون مرا کتک می‌زد از ترسم هر چه پول می‌خواست به او می‌دادم. وی ادامه داد: روزی که قرار شد از زندان آزاد شود به سراغ مادرش رفتم و التماس کردم دیه را ندهد. گفتم مهدی بیرون می‌آید و باز من را می‌زند و آزارم می‌دهد. قبول نمی‌کرد و می‌گفت نمی‌تواند پسرش را در زندان بگذارد. مادر یعقوب از من خواست دیگر تلفن پسرش را جواب ندهم اما یعقوب نشانی خانه‌ام را داشت. وی در مورد رابطه‌اش با یزدان گفت: او به عنوان مشتری به دفتر من آمد و خواست شغلی به او بدهم. من در ابتدا قبول نکردم. بعد او از من خواستگاری کرد. گفتم نمی‌خواهم با کسی ازدواج کنم و می‌خواهم تنها زندگی کنم. او اصرار داشت و بعد هم که وارد دفتر من شد مهدی هم از زندان بیرون آمد. من می‌دانستم مهدی بالاخره دست به قتل می‌زند. به همین خاطر هم رفتم تا از مهدی شکایت کنم و گفتم در خطر هستم. شکایتم را ارائه دادم اما هیچ اقدامی انجام نشد. من با یکی از ماموران که هنگام شکایت با او آشنا شده و شماره‌اش را گرفته بودم مشورت کردم. او گفت تا زمانی که یعقوب اقدامی انجام ندهد نمی‌توان کاری کرد. بعد از این تماس یزدان به من زنگ زد و گفت برای اینکه یعقوب دست از سر تو بردارد به او گفتم ما با هم رابطه داشته‌ایم. من به او جواب دادم این حرف به شدت یعقوب را تحریک می‌کند و تو نباید این حرف را می‌زدی. در مدتی که یعقوب آزاد شده بود من از ترس سر کار نمی‌رفتم و مرتب در فرار بودم. آن روز هم کلیدهای دفتر دست آبدارچی بود و من در خانه بودم. احتمال می‌دهم آبدارچی کلیدها را به یزدان داده است. من بعدها فهمیدم آبدارچی از یعقوب به یزدان و از یزدان به یعقوب خبر می‌داد. کیمیا در ادامه گفت: یعقوب شیشه می‌کشید و این کارش او را نابود کرد. او وقتی مواد مصرف می‌کرد از خود بیخود می‌شد و به همه می‌گفت با من رابطه دارد یا اینکه من را متهم به داشتن رابطه با دیگران می‌کرد. من اصلاً در جریان قتل نبودم و هرگز دلم نمی‌خواست این اتفاق بیفتد. در ادامه یکی از شاهدان پرونده در جایگاه حاضر شد. این جوان گفت: من بارها به کیمیا گفته بودم این دو نفر را به جان هم نیندازد، حتی تذکر داده بودم یعقوب مرد خطرناکی است. به یزدان هم گفته بودم یعقوب مردی تنهاست و کسی را ندارد و چیزی ندارد که از دست بدهد. تو جوان خوبی هستی، این کار را نکن اما او جادوی کیمیا شده بود. بعد از پایان سخنان شاهدان، قاضی عزیزمحمدی آخرین دفاع را از یعقوب گرفت. وی گفت: من از اولیای دم تقاضای بخشش دارم. می‌دانم کار بدی کردم. من قصد قتل نداشتم. قسم می‌خورم نمی‌خواستم این کار را بکنم. درخواست می‌کنم از قصاص من گذشت کنید. در پایان جلسه دادگاه قاضی عزیزمحمدی گفت: این فیلم در سراسر دنیا پخش شده و به آبروی ایران لطمه وارد کرده است. البته تو حق داری در آخرین دفاع تقاضای بخشش کنی.

به این ترتیب جلسه محاکمه به پایان رسید.

گفت‌وگو با کیمیا متهم ردیف دوم پرونده

می‌دانستم خون به پا می‌شود

کیمیا دیروز قبل از جلسه محاکمه در گفت‌وگویی کوتاه به برخی سوالات خبرنگار ما درباره زندگی خانوادگی و روابط شخصی‌اش پاسخ داد.

– چه مدتی است که بازداشت شده‌ای؟

چند روز بعد از این حادثه پلیس به سراغم آمد، با اینکه جرمی مرتکب نشده‌ام و نقشی در این قتل نداشتم.

– چرا این دو جوان را روبه‌روی هم قرار دادی؟

من این کار را نکردم. من از ترس یعقوب دنبال یک حامی بودم. من کسی را نداشتم. مردی در خانواده نبود که از من حمایت کند. از شوهرم جدا شده بودم و برادر و پدر هم نداشتم. این تنهایی و بدون حامی بودنم باعث شد یعقوب به خود اجازه دهد این طور مرا آزار دهد.

– منظورت از آزار چیست؟

او من را به شدت آزار می‌داد. روز تولدم مرا به شدت کتک زد و همه دیدند. یعقوب از من پول می‌گرفت و خانه می‌خواست. او شیشه می‌کشید و همین اعتیادش باعث شد کار به اینجا برسد.

– چطور شد که تصمیم گرفتی بنگاهدار شوی؟

من فوق لیسانس حسابداری دارم. کارم خوب بود اما هیچ وقت نمی‌دانستم در بنگاهداری هم استعداد دارم تا اینکه یک روز برای اجاره خانه به بنگاه رفتم و متوجه شدم با فن بیانی که دارم می‌توانم در این زمینه موفق شوم و البته بسیار هم موفق بودم.

– چقدر درآمد داشتی؟

من خیلی درآمد داشتم. چندین میلیون در ماه پول درمی‌آوردم. ۴۰ نفر زیر دست من کار می‌کردند. هر کدام از آنها چندین میلیون درآمد داشتند.

– تو زن موفقی بودی، چرا این طور زندگی‌ات را نابود کردی؟

تنهایی من باعث شد به اینجا کشیده شوم. اگر برادر یا پدر داشتم هرگز این اتفاق نمی‌افتاد.

– پدرت را چه زمانی از دست دادی؟

خیلی بچه بودم. حدوداً ۹ساله بودم که پدرم فوت شد. من مجبور بودم برای تامین خرج خانواده کار کنم. بامیه و باقلوا می‌فروختم، از گفتن این موضوع هم خجالت نمی‌کشم. من هم درس می‌خواندم و هم کار می‌کردم. مادرم هم زن تحصیلکرده‌ای بود و ما را حمایت می‌کرد. ما چهار خواهر هستیم که همگی درس خوانده‌ایم.

– فرزند هم داری؟

بله یک دختر ۱۲ساله دارم که امروز تولدش است و من در کنارش نیستم.

– او می‌داند تو در زندان هستی؟

فکر می‌کند به یک مسافرت کاری رفته‌ام، خواهرانم از او مراقبت می‌کنند. من در این مدت به شدت احساس تنهایی کردم و دلم برای دخترم تنگ شده است.

– با یزدان چطور آشنا شدی؟

به عنوان مشتری وارد بنگاه شد، بعد که رفت با من تماس گرفت و خواستگاری کرد. ظاهراً مشاوران به او گفته بودند که من مجرد هستم. البته من علاقه‌ای به او نداشتم.

– مشاورانت تو را متهم به روابط متعدد می‌کنند، در این باره چه توضیحی داری؟

این طور نیست. آنها از کارهای یعقوب خسته شده و آسیب دیده بودند به همین خاطر هم عصبانی بودند. آنها می‌دیدند یعقوب چقدر مرا اذیت می‌کند و چقدر از من پول می‌گیرد. من به یعقوب هیچ علاقه‌ای نداشتم. او خیلی من را کتک می‌زد.

– می‌دانی ممکن است یعقوب اعدام شود؟

من به مادرش گفتم یعقوب را از تهران دور کن، او بالاخره به خاطر من کشته می‌شود، او خیلی آزارم می‌دهد اما مادرش گفت نمی‌تواند جلوی پسرش را بگیرد. نمی‌تواند دست و پای او را ببندد. حتی به مادرش پیشنهاد دادم من برایش خانه اجاره کنم تا با هم زندگی کنیم و او یعقوب را کنترل کند اما قبول نکرد. من خیلی از یعقوب می‌ترسیدم. او قربانی مواد مخدر شد. بارها به او گفتم شیشه نکشد اما به حرفم گوش نمی‌کرد.

– یزدان را دوست داشتی؟

نه او فقط از من خواستگاری کرده بود.

– ادعایش در مورد رابطه با تو درست بود؟

او به یعقوب دروغ گفته بود تا او را از من دور کند، اما من گفتم این حرفش خون به پا خواهد کرد.

انهدام ده باند بزرگ توزیع مشروبات الکلی

سردار ساجدی‌نیا: برخی افراد سودجو دست به تولید مشروبات الکلی با استفاده از الکل صنعتی زده‌اند

گروه حوادث: ۱۰ باند بزرگ توزیع مشروبات الکلی در تهران متلاشی و ۸۰ متهم در این رابطه دستگیر شدند.

سردار حسین ساجدی‌نیا فرمانده انتظامی تهران با اعلام این خبر از بیمارستان‌ها خواست مسمومیت‌های ناشی از مصرف مشروبات الکلی را به پلیس گزارش بدهند. سردار ساجدی‌نیا که دیروز به پلیس آگاهی رفته بود در جمع خبرنگاران گفت: «مدتی قبل ماموران نیروی انتظامی از طریق برخی اقدامات اطلاعاتی باخبر شدند کالاهای قاچاق زیادی از جمله مشروبات الکلی به صورت کلان از مرزهای غربی کشور وارد خاک ایران شده است. وی با بیان اینکه با اقدامات و هماهنگی‌های صورت گرفته با ماموران نیروی انتظامی در استان‌های غرب کشور و مرزبانان غرب ۱۰ باند توزیع‌کننده کلان مشروبات الکلی متلاشی شد، گفت: رئیس باند ملقب به «سلطان عثمانی» که نقش هدایت‌کننده توزیع مشروبات الکلی را در داخل کشور ایفا می‌کرد شناسایی و دستگیر شد. فرمانده انتظامی تهران افزود: متهمان در اعترافات اولیه اعلام کردند هنگامی که مشروبات الکلی را از سرشاخه باند تحویل می‌گرفتند هیچ مبلغی پرداخت نمی‌کردند بلکه هنگامی که این مشروبات الکلی را به فروش می‌رساندند پول آنها را به سرشاخه پرداخت می‌کردند. به گفته ساجدی‌نیا با توجه به این شیوه زیرکانه توزیع مشروبات الکلی احتمال می‌رود استکبار جهانی در توزیع انواع مشروبات الکلی در داخل کشور دست داشته باشد. وی با بیان اینکه گمرک جمهوری اسلامی ایران بیش از ۱۲ میلیارد تومان جریمه برای قسمتی از مشروبات الکلی وارده در نظر گرفته است، گفت: در حال حاضر دستگیری دیگر عوامل این باندها که در ۱۰ استان کشور مستقر هستند در دستور کار ماموران نیروی انتظامی قرار دارد. ساجدی‌نیا افزود: امیدوار هستیم سیستم قضایی کشور برخورد لازم را با واردکنندگان و قاچاقچیان این گونه مشروبات الکلی داشته باشد. وی همچنین متذکر شد: بر اساس اطلاعات واصله برخی از افراد سودجو در مجموعه استان تهران دست به تولید مشروبات الکلی زده‌اند که در تولید مشروبات از الکل صنعتی استفاده می‌کنند، حال آنکه استفاده از الکل صنعتی در مشروبات الکلی سبب ایجاد کوری و مسمومیت می‌شود.

به گفته ساجدی‌نیا، نیروی انتظامی به تمام بیمارستان‌ها اعلام کرده است در صورت پذیرش افراد بیماری که به دلیل مصرف مشروبات الکلی بینایی خود را از دست داده یا مسموم شده‌اند سریعاً مراتب را به پلیس اطلاع دهند تا پلیس در پیگیری‌ها بتواند عوامل توزیع‌کننده و تولیدکننده این گونه مشروبات الکلی را شناسایی و دستگیر کند.

فرمانده پلیس تهران در ادامه با اشاره به انهدام باند قاچاق موتور ZX گفت: برخی افراد سودجو موتورهای سنگین ZX را به صورت اوراقی به کشور وارد و پس از سر هم کردن قطعات، به جعل مدارک و پلاک موتور اقدام می‌کردند. این افراد سودجو به نام افراد غیرحقیقی و ناشناس برای موتورهای قاچاق خود سند تهیه می‌کردند. وی در ادامه گفت: ماموران پلیس آگاهی تهران در اقدام عملیاتی و فنی ۵۰۰ موتور قاچاق را شناسایی و بیش از ۱۷۰ موتور را توقیف کردند. فرمانده انتظامی تهران با اعلام اینکه افراد جاعل دستگیر شده و موتورها نیز برای تعیین تکلیف به گمرک تحویل داده شد، گفت: در این راستا ۴۳ تن دستگیر شدند که دادسرای شهرری برای این مقدار کالای قاچاق ۱۰ میلیارد تومان قرار صادر کرده است. همچنین دو کارگاه جعل پلاک، یک کارگاه جعل اسناد و مدارک و دو دفترخانه که اقدام به صدور غیرقانونی سند می‌کردند، شناسایی و پلمب شدند. ساجدی‌نیا با بیان اینکه تردد موتورهای کاوازاکی، ZX و تریل ممنوع است، گفت: این سه مدل موتور در دست هر کسی که باشد قطعاً بدون مدارک و غیرقانونی است و افرادی که این گونه موتورها را در دست دارند باید با معرفی خود به نیروی انتظامی و تحویل موتورسیکلت خود از فروشنده اعلام شکایت کنند. فرمانده انتظامی تهران گفت: تمامی دارندگان این گونه موتورها در سراسر تهران بزرگ شناسایی شده‌اند و پلیس می‌داند چه کسانی این موتورها را در اختیار دارند و اگر این افراد این موتورها را تحویل ندهند در صورت توقیف از سوی ماموران نیروی انتظامی، فرد راکب و دارنده این گونه موتورها متهم محسوب می‌شود و با آن برخورد قضایی خواهد شد.

نگاه

نگاهی به نحوه محاکمه‌های جنجالی

محمدرضا رحمت*

پرونده میدان کاج به دلیل شرایطی که باعث رسانه‌ای شدن آن شد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خوشبختانه هنوز چندان از وقوع این حادثه نمی‌گذرد و حافظه تاریخی مردم این اجازه را می‌دهد که علت مطرح شدن این پرونده را به خاطر بیاورند. مهم‌ترین علت مطرح شدن این پرونده نه به خاطر قتل با انگیزه عشق، که مطمئناً از این موارد کم دیده نمی‌شود، بلکه به دلیل تعلل نیروهای پلیس حاضر در صحنه، در اقدام به کمک به مصدوم بود. اقدام ضعیف این نیروها که در فیلم‌های مختلف پخش شده، قابل مشاهده است، منجر به ایجاد جو رسانه‌ای توسط رسانه‌های دولتی و غیردولتی شد. شاید اگر این پرونده رسانه‌ای نمی‌شد مدت‌ها سیر رسیدگی و تعیین وقت دادگاه طول می‌کشید اما در راستای جوابگویی به احساسات مردم، تسریع در رسیدگی به این پرونده در دستور کار قرار گرفت، به گونه‌ای که پرونده در اسرع وقت مراحل تحقیقاتی خود را پشت سر گذاشت و روز سه‌شنبه گذشته به شعبه رسیدگی‌کننده واگذار شد. روزهای پس از این تاریخ، تعطیلات عید قربان و آخر هفته بود و برای روز یکشنبه تعیین وقت شد. وکیل متهم در ادعایی که عرفاً معقولانه به نظر می‌رسد بیان داشت به دلیل ضیق وقت امکان مطالعه پرونده و صحبت با متهم را نداشته است و از این‌رو استمهال کرد. جواب هیات رسیدگی‌کننده حاکی از آن بود که این دفاع موردپذیرش آنها واقع نشده است. یکی از اصول حاکم بر محاکمات عادلانه فراهم ساختن امکان دفاع متهم است. متاسفانه به دلالت ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، وکیل در مرحله تحقیقات حق مداخله ندارد. برابر تبصره این ماده حتی بازپرس می‌تواند در صورت تشخیص، مانع حضور وکیل در این مرحله حساس شود. از این‌رو حداقل برای برقراری عدالت، باید این انتظار را داشت که دستگاه قضایی در مرحله رسیدگی و پس از پایان تحقیقات امکانات لازم را برای استفاده از حق دفاع برای متهم فراهم کند. مطمئناً رسانه‌ای شدن یک پرونده نباید باعث خدشه‌دار شدن اصول دادرسی عادلانه شود. غرض این مطلب حمایت از متهم این پرونده نیست، بلکه یادآوری حق جامعه است. عمل متهم حادثه میدان کاج هرچند خلاف شرع و وجدان باشد، نمی‌تواند دلیلی برای زیر پا گذاشتن اصول محاکمه عادلانه باشد. یکی دیگر از موارد موجود در رسیدگی به این پرونده، اعلام ختم رسیدگی بعد از پایان جلسه اول بود. طولانی شدن جلسه که نزدیک به شش ساعت طول کشید این انتظار را در حضار ایجاد کرده بود که ادامه رسیدگی به جلسه‌ای دیگر موکول شود. متهم در طول رسیدگی بارها اعلام کرد خسته شده است و حتی تقاضا کرد اجازه نشستن به وی داده شود. این مساله این سوال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا اجرای عدالت با این سرعت و عجله امکان‌پذیر است؟ نکته دیگر در این پرونده عدم تشکیل پرونده شخصیت برای متهم است. هرچند این امر متاسفانه از ضروریات رسیدگی کیفری نیست، اما به دلیل اهمیت این پرونده و احتمال زیاد وقوع چنین حوادثی در آینده، لازم است برای متهم یک پرونده شخصیت تشکیل شود. با تشکیل این پرونده قاضی می‌تواند در صورت لزوم علاوه بر در نظر گرفتن مجازات قانونی، از متخصصان روانشناسی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی استفاده کند. شاید واکاوی شخصیت مجرمان و تاکید بر تشکیل پرونده شخصیت آنان از سوی افراد متخصص، بتواند به پیشگیری یا کاهش این گونه جرائم کمک کند. بدیهی است در امر قضاوت و صدور حکم به مجازات متهم، ناگزیریم بر اساس اصول متداول در جرم‌شناسی، به بررسی دقیق‌تر عمل مجرمانه و تاکید بر واکاوی روانی متهم بپردازیم. به هر حال با کمال تاسف باید گفت رسانه‌ای شدن این پرونده به جای سوق دادن پرونده به سمت اقدامات پلیس و لزوم پاسخگویی این نهاد، به سمت تعجیل در برگزاری دادگاه و صدور حکم و در نهایت اجرای حکم می‌رود؛ امری که مطمئناً مراد و مقصود مردم و رسانه‌ها نیست.

*دکترای حقوق جزا

خبر

جاعلان حرفه‌ای شناسنامه دستگیر شدند

گروه حوادث: جاعلان پس از خرید شناسنامه‌های سرقتی، با تغییر مشخصات، آنها را به مبالغی بین یک تا دو میلیون ریال به متقاضیان می‌فروختند. سرهنگ «مهدی یارندی» معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان تهران درباره این باند گفت: ماموران پلیس آگاهی با دریافت گزارشی مبنی براینکه فردی به نام «محسن» در شهرستان ورامین در زمینه جعل شناسنامه فعالیت‌های گسترده‌ای دارد به بررسی موضوع پرداختند. وی ادامه داد: ماموران پس از شناسایی مخفیگاه متهم به نام محسن و محل‌های تردد وی، محل‌های موردنظر را تحت کنترل خود قرار دادند و زمانی که از حضور متهم در مخفیگاهش اطمینان حاصل کردند با هماهنگی‌های لازم با ورود به مخفیگاه، وی را دستگیر کردند. سر